

Criminal protection of fixed oil platforms located in the continental shelf area

Amir shakri¹, Mohammadreza Shadmanfar², hasan pourbafrani³

Abstract

Field and Aims: The location of fixed oil facilities located in the continental shelf area outside the territorial jurisdiction of the coastal state creates limitations in the field of criminal protection for them. In this article, by using international documents and rules related to the cross-border implementation of criminal laws, the capacities of domestic laws in the field of criminal protection of these facilities have been examined. Based on this, we are going to investigate what criminal protection has been done in the regulations of the fixed oil platforms located in the continental shelf area?

Method: The present research was carried out using a descriptive-analytical method.

Finding and Conclusion: Although the international custom has established the necessary mechanisms to apply criminal jurisdiction over these facilities in the form of the so-called Protocol to Combat Illegal Acts against the Safety of Fixed Oil Platforms in the Continental Shelf Region, an addendum to the Convention against Illegal Acts against Maritime Safety approved by Rome in 1988, but despite our country's accession to this protocol and its emphasis on criminal countermeasures against the act contained in the protocol by the member countries, no action has been taken regarding the criminalization of these acts in our criminal law and the possibility of using its capacity in criminal protection has been taken away from this facility. Also, due to the lack of provision for these facilities in the cases of the actual jurisdiction of applying the Islamic Penal Code and the absence of any other specific law in this field, currently our criminal law in the field of protecting these facilities is facing a legal gap and only by resorting to legal generality. You can support them.

Keywords: oil and gas industries, criminal jurisdiction, jurisdiction, terrorist crimes, international conventions.

*Citation (APA): shakery, A, Shadmanfar, M, pourbafrani, H. (2022). Criminal protection of fixed oil platforms located in the continental shelf area. *International Legal Research*, 15(56), 17-41.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_691063.html?lang=en

1. PhD student of criminal law and criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: shakeryamir@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Author). Email: mrsh23@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir



حمایت کیفری از سکوهای نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره

امیر شاکری^۱، محمدرضا شادمانفر^۲✉، حسن پورباقرانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: قرار داشتن تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره در خارج از قلمرو حاکمیت دولت ساحلی، محدودیت‌هایی را در زمینه حمایت کیفری از آنها ایجاد می‌نماید. در این مقاله با بهره گیری از اسناد بین‌المللی و قواعد مربوط به اجرای برون مرزی قوانین کیفری، ظرفیت‌های حقوق داخلی در زمینه حمایت کیفری از این تأسیسات مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس به بررسی این امر می‌پردازیم که در مقررات چه حمایت کیفری از سکوهای نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره انجام گرفته است؟

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: اگرچه عرف بین‌الملل، سازوکارهای لازم را جهت اعمال صلاحیت کیفری بر این تأسیسات در قالب پروتکل موسوم به مقابله با اعمال غیرقانونی علیه امنیت سکوهای نفتی ثابت در منطقه فلات قاره الحاقی به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی مصوب ۱۹۸۸ رم پیش‌بینی نموده اما به‌رغم پیوستن کشورمان به این پروتکل و تأکید آن به مقابله کیفری با اعمال مندرج در پروتکل از سوی کشورهای عضو، هیچ‌گونه اقدامی در خصوص جرم‌انگاری این اقدامات در حقوق کیفری ما صورت نگرفته و امکان استفاده از ظرفیت آن در حمایت کیفری از این تأسیسات سلب گردیده است. همچنین به دلیل عدم پیش‌بینی این تأسیسات در مصادیق صلاحیت واقعی اعمال قانون مجازات اسلامی و نبود قانون خاص دیگر در این زمینه، در حال حاضر حقوق کیفری ما در زمینه حمایت از این تأسیسات با خلأ قانونی روبروست و صرفاً با توسل به عموماً قانونی می‌توان از آنها حمایت نمود.

کلیدواژه‌ها: صنایع نفت و گاز، صلاحیت کیفری، قلمروی حاکمیت، جرایم تروریستی، کنوانسیون‌های بین‌المللی.

* استناددهی (APA): شاکری، امیر؛ شادمانفر، محمدرضا؛ پورباقرانی، حسن. (۱۴۰۱). حمایت کیفری از سکوهای نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۶)، ۴۱-۱۷.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_691063.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رایانامه: shakeryamir@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: mrsh23@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

مقدمه

در مقابله با جرایمی که علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در دریاها روی می‌دهد، موقعیت استقرار آنها در جغرافیای سیاسی دریاها نقش اساسی دارد. چنانچه این تأسیسات در آب‌های داخلی یا سرزمینی دولت ساحلی باشند، هیچ‌گونه اختلافی در عرصه بین‌الملل جهت اعمال صلاحیت کیفری وجود ندارد. اختلاف، زمانی ایجاد می‌شود که این تأسیسات در آب‌های آزاد که جزو قلمرو حاکمیت دولت ساحلی نیست، واقع گردیده و عرف بین‌الملل به دولت‌ها صرفاً حق بهره‌برداری از این منابع را اعطا نموده است. لذا باید به دنبال تدوین راهکاری مؤثر جهت توجیه مداخله کیفری و حمایت از این تأسیسات حیاتی در عرصه بین‌الملل برای دولت ساحلی بود و با توسل به ضابطه‌های مشروع اعمال برون‌مرزی صلاحیت کیفری و تمهید شرایط لازم در قوانین داخلی، نسبت به حمایت از این تأسیسات اقدام نمود. اثربخشی تدابیر داخلی در زمینه برخورد با این قبیل جرایم، مستلزم توجه به اسناد بین‌المللی حاکم بر جغرافیای سیاسی دریاها و حقوق عرفی بین‌المللی در زمینه اعمال حاکمیت داخلی در عرصه بین‌المللی است که نمونه بارز آن را می‌توان در کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی ۱۹۸۸ رم ملاحظه نمود. در حقیقت تشریک مساعی اعضای جامعه جهانی در اتخاذ تدابیر مؤثر جهت مقابله با جرایم ارتكابی در عرصه بین‌الملل و تلاش در بی‌کیفر نماندن جرایم، سبب گردیده این اجازه به کشورها داده شود که ضمن التزام به قواعد بین‌المللی و عدم تعرض به حق حاکمیت سایر کشورها، به منظور تأمین منافع خود و اتباعشان به مقابله با جرایمی که خارج از محدوده سرزمینی آنها ارتكاب می‌یابد، پردازند، اما اعمال این صلاحیت استثنایی در عصری که اصل آزادی دریاها تثبیت گردیده و قواعد عرفی بین‌المللی، نظامی جهان‌شمول را در برخورد با پدیده‌های مجرمانه پایه‌گذاری نموده، نمی‌تواند خارج از چهارچوب‌های پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل باشد؛ بنابراین جهت اعمال صلاحیت کیفری دولت ساحلی در آب‌های بین‌المللی، ضروری است به بررسی تطابق ظرفیت‌های حقوق ملی با ضوابط به رسمیت شناخته‌شده در عرف بین‌الملل پرداخت.

لذا به بررسی این مسأله می‌پردازیم که آیا قوانین کیفری ما می‌تواند با توجه به ظرفیت‌های موجود خود و قواعد بین‌المللی، به ایفای نقش حمایتی خود از تأسیسات واقع در منطقه فلات قاره پردازد و در صورت وجود نقیصه‌های قانونی در این زمینه، چه اقداماتی جهت فراهم ساختن مداخله کیفری در این عرصه باید صورت پذیرد. با توجه به اینکه حمایت کیفری از تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره هرگونه سابقه تحقیقی متمرکز و مشخص در حقوق کیفری می‌باشد، در این راستا تلاش گردیده با رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن مطالعه کنوانسیون‌ها و قواعد حقوقی مرتبط با موضوع و نیز تحلیل حقوقی قوانین و مقررات ملی در حوزه صنایع نفتی، به بررسی و شناخت ظرفیت‌ها و خلأهای حقوقی در عرصه حمایت قانونی از این تأسیسات پرداخت

و راهکارهایی جهت امنیت حقوقی این تأسیسات در عرصه بین‌الملل با اتکا به توانمندی‌های حقوق ملی ارائه نمود.

۱. ضابطه اعمال قوانین کیفری در آب‌های منطقه فلات قاره

ارتباط مستقیم منابع هیدروکربوری موجود در آب‌های واقع در منطقه فلات قاره با امنیت اقتصادی و سیاسی کشورها، حق مداخله کیفری و جرم‌انگاری هرگونه اقدامی بر علیه این منافع حیاتی دولت‌ها را مشروع می‌سازد؛ اما نظر به قرار گرفتن این منابع در آب‌های بین‌المللی، باید هرگونه اقدامی در این راستا مطابق با قواعد رفتاری حاکم بر حقوق بین‌الملل باشد. همچنین هرگونه اقدامی در خصوص این جرایم که از جرایم بین‌المللی ذاتی نیستند، مستلزم وجود مقررات عرفی است که این رکن مشروعیت بخشی به مداخله کیفری، متناسب با قواعد مندرج در پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ کنوانسیون مقابله با اعمال علیه ایمنی دریانوردی رم وجود دارد. برابر با حقوق به رسمیت شناخته شده بین‌المللی برای دولت‌های ساحلی، اعطای حق جرم‌انگاری در عرصه آب‌های بین‌المللی همراه با اختیار اجرایی و قضایی رسیدگی به این جرایم در چهارچوب ضوابط دادرسی بین‌المللی خواهد بود. به همین دلیل در بند ۶ مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به ضرورت پیشگیری و مقابله با جرایم بین‌المللی توسط دولت‌ها اشاره شده و مطابق با بند ۱۰ ماده ۹۳ اساسنامه این دیوان، اصل همبستگی میان دولت‌های منفرد و جامعه جهانی به عنوان نتیجه قهری اقدام سلسله مراتبی، سبب می‌گردد، دولت‌ها از قابلیت برخورد مستقیم با این جرایم برخوردار باشند. در واقع امروز این اصل در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده که در مواردی که سطح سیاسی یا اجتماعی پایین‌تر می‌تواند به طور موثرتری انجام وظیفه نماید، سطح عالی‌تر از هرگونه اقدامی صرف نظر کند و در مواردی که اشکال پایین‌تر سازمانی نتوانند به اهداف خود نائل شوند، سطح بالاتر می‌تواند و حتی باید مداخله نمایند (ریچلاک و زارنتسکی، ۲۰۰۳: ۱۳۱).^۱ بدیهی است عدم اعطای چنین حقی به دولت ساحلی در برخورد با جرایم ارتكابی علیه منافع اساسی آن در آب‌های آزاد، منجر به مراجعه آن دولت به دادگاه‌های بین‌المللی خواهد گردید. درحالی‌که محاکم بین‌المللی اصل را بر رسیدگی ملی و مقابله با بی‌کیفری قرار داده‌اند.

بنابراین با توجه به پذیرش ضرورت مداخله کیفری در آب‌های آزاد در حمایت از تأسیسات نفتی ثابت واقع در فلات قاره از سوی عرف بین‌الملل، امروزه دولت‌ها با رویکردی کنش‌گرایانه در امر پیشگیری و حفظ امنیت منافع حیاتی مشروع خود، از حق تنظیم قواعد رفتاری و مداخله کیفری در این بخش از جغرافیای سیاسی دریاها برخوردار می‌باشند. اصل کلی بر آن است که با خروج اشخاص و اموال موضوع قانون از قلمرو سرزمینی، اثرگذاری قانون بر آنها خاتمه می‌یابد و توانایی مقامات قضایی در اجرای قواعد قانونی فراتر از مرزهای حاکمیت یک کشور قابل استناد

1. Rychlak&Czarnetzky

نخواهد بود. بر همین اساس صلاحیت به معنی شایستگی و توانایی یک دولت در وضع و اجرای قوانین مورد نیاز خود، به عنوان نتیجه حاکمیت سرزمینی قلمداد می‌شود و هیچ‌گونه اختلافی در اعمال مطلق آن نسبت به کلیه اموال و اشخاص حاضر در قلمرو حاکمیت یک کشور جز در مواردی که قانون استثناء نموده، وجود ندارد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۵۱). در مقابل، توسعه صلاحیت به خارج از قلمرو سرزمینی یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل است که استثنایی بودن توسل به آن مورد پذیرش حقوقدانان بین‌الملل است. در حوزه قوانین جزایی، از آنجا که قوانین هر کشور به منظور حمایت از نظم داخلی و متأثر از شاخصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن کشور تدوین می‌گردد، توانایی وضع و اجرای فرامرزی قوانین با مقاومت بیشتری روبه‌رو گردیده است. از منظر حقوق جزای بین‌الملل، صلاحیت عبارت است از شایستگی و قابلیت اعمال قوانین کیفری یک کشور در رسیدگی به جرایمی که داخل و خارج از کشور ارتکاب می‌یابد (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۹).

به موجب ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، اعمال قوانین کیفری در قلمرو زمینی، هوایی و دریایی حاکمیت ایران، امکان برخورد با هرگونه تعدی به تأسیسات نفتی واقع در قلمرو حاکمیت ایران را فراهم می‌سازد. در جغرافیای سیاسی، قلمرو ناظر به فضای محدود شده‌ای است که افراد از آن به عنوان محدوده اختصاصی خود استفاده و دفاع می‌نمایند و بخش جدایی‌ناپذیر ساختار کشورها در قوانین بین‌المللی است. از این‌رو، به رسمیت شناختن یک قلمرو به منزله تعیین سرزمین، مرز و حق حاکمیت بر یک محدوده جغرافیایی است که منجر به مشروعیت قدرت و حاکمیت یک دولت در حوزه آن قلمرو می‌گردد (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۴). بر این اساس قلمرو حاکمیت عبارت است از کلیه فضاهایی که یک دولت در آن به اعمال جغرافیایی قدرت خود می‌پردازد. قلمرو سرزمینی هر کشور منتهی به مرزهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی است که مهم‌ترین عامل در تعیین قلمرو هوایی یک کشور نیز محسوب می‌گردد. قلمروهای دریایی بر حسب کنوانسیون بین‌المللی دریاها مصوب ۱۹۵۸ ژنو به آب‌های داخلی، منطقه دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه فلات قاره تقسیم می‌گردد که حقوق به رسمیت شناخته شده در این مناطق از یکدیگر متفاوت بوده و عامل پیوستگی به قلمرو سرزمینی دولت ساحلی، شاخصه اصلی در تعیین قدرت دولت‌های ساحلی در این مناطق می‌باشد.

پس از تثبیت اصل آزادی دریاها در قرن هجدهم میلادی، دول ساحلی برای حفظ امنیت خود و نظارت بر رفت و آمد کشتی‌های بیگانه، حاکمیت خود را به آب‌های مجاور تسری دادند و محدوده‌ای موسوم به دریای سرزمینی در مجاورت خط ساحلی خود ایجاد کردند که متعاقباً به عنوان محدوده تحت حاکمیت دولت ساحلی در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت. مطابق با ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو، حق حاکمیت دولت ساحلی در دریای سرزمینی

مجاور قلمرو خشکی دولت ساحلی قابل اعمال است که عرض آن مطابق با ماده ۳ کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریاها، ۱۲ مایل دریایی از خط مبدأ می‌باشد. برابر با ماده یک قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲/۲/۳۱ «جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدأ که دریای سرزمینی نامیده می‌شود نیز حاکمیت دارد. این حاکمیت همچنین شامل فضای فوقانی، بستر و زیر بستر دریای سرزمینی می‌باشد.» با عنایت به تصریح قانون‌گذار بر دارا بودن حق حاکمیت در این منطقه دریایی، تمامی کارکردهای داخلی حاکمیت در این محدوده دریایی قابل اجراست و چنانچه تأسیسات نفتی ثابت در محدوده آب‌های سرزمینی ایران قرار داشته باشند، اعمال قوانین جزایی در خصوص آنها با مانعی روبه‌رو نخواهد بود و بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی، مشمول حمایت کیفری می‌باشند. اما رویکرد حقوق بین‌الملل در اعطای حق مداخله در محدوده دریایی فراتر از دریای سرزمینی به دولت‌های ساحلی، مبتنی بر حق حاکمیت مطلق نیست. در منطقه نظارت که ماورای دریای سرزمینی و حداکثر طول آن ۱۲ مایل دریایی از انتهای حد دریای سرزمینی است، دولت‌ها صرفاً به منظور جلوگیری از تخلفات گمرکی، مالی، مهاجرتی و یا مقررات بهداشتی خود به اعمال نظارت می‌پردازند (مدنی، ۱۳۹۴: ۴۵).

منطقه دیگر در جغرافیای سیاسی دریاها، منطقه انحصاری اقتصادی است که مطابق با ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها، منطقه‌ای است ماوراء و مجاور دریاهای سرزمینی که عرض آن بیش از ۲۰۰ مایل از مبدأ دریایی سرزمینی نخواهد بود. مطابق با این کنوانسیون، در این منطقه دولت ساحلی حق بهره‌برداری از منابع بستر و فوق آن را دارد. دیگر منطقه دریایی، منطقه فلات قاره است که به محدوده بستر و زیر بستر ماوراء و مجاور دریایی سرزمینی اطلاق می‌شود که سطح زیرین منطقه انحصاری اقتصادی را تشکیل می‌دهد و مطابق با ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها، از ابتدای دامنه طبیعی قلمرو سرزمینی کشور تا لبه بیرونی حاشیه قاره کشیده شده و در مواردی که لبه بیرونی قاره گسترش چندانی نداشته باشد تا مسافت ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ عرض دریایی سرزمینی آغاز می‌شود و طبق بند ۵ این ماده در شرایط خاص می‌تواند تا ۳۵۰ مایل دریایی امتداد داشته باشد (صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۲۹)؛ بنابراین منطقه فلات قاره از نظر حقوقی می‌تواند فراتر از منطقه فلات قاره جغرافیایی باشد (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۷: ۱۹). بر اساس اسناد سازمان بین‌المللی دریانوردی، حق حاکمیت در دریاها در منطقه فلات قاره دربرگیرنده کلیه بایسته‌های لازم برای اکتشاف و استخراج منابع طبیعی فلات قاره است و موجد صلاحیت قضایی برای پیگیری و تعقیب کسانی است که این بایسته‌ها را نادیده گرفته‌اند (صالحی، ۱۳۹۶: ۲۳).

تمامی این مناطق در قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان نیز به رسمیت شناخته شده است. اگرچه در این قانون، محدوده این منطقه به صراحت تعیین نشده لکن، علی‌رغم عدم عضویت ایران در این کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو و ۱۹۸۲ جامائیکا، به دلیل امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از سوی ایران، برابر با معاهده ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، ایران نباید اقدامی برخلاف حقوق منظور در این کنوانسیون انجام دهد (اله‌وردی‌زاده و حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۵)؛ بنابراین معیار مندرج در این کنوانسیون در خصوص تعیین عرض منطقه فلات قاره و انحصاری اقتصادی، در خصوص مناطق دریایی ایران نیز قابل اعمال خواهد بود. بر همین اساس به موجب بند الف ماده یک آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۲۸ هیات وزیران، عرض ۲۰۰ مایلی برای تعریف محدوده این مناطق پذیرفته شده است.

از سیاق مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ و قانون مناطق دریایی ایران کاملاً مشهود است که رژیم حقوقی حاکم بر مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره، مبتنی بر اجازه اعمال صلاحیت در موارد مصرح در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی است و نمی‌توان اعمال مطلق حاکمیت را در این مناطق تصور نمود. در حقیقت در عرصه جغرافیای سیاسی دریاها، حاکمیت مفهوم جدیدی می‌یابد و در قالب حق اعمال صلاحیت در موارد معین متبلور می‌گردد (اله‌وردی‌زاده و حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۲). با توجه به اینکه این مناطق جزء قلمرو حاکمیت مطلق دولت ساحلی نمی‌باشد، توسعه صلاحیت جزایی کشور ساحلی به آنها، نیازمند تأسی از معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی در اعمال صلاحیت فرامرزی قوانین کیفری است. اگرچه مداخله کیفری در خصوص جرایم علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در آب‌های آزاد، کاملاً مشروع به نظر می‌رسد و اصل مقابله با بی‌کیفری در خصوص این تأسیسات، توجیه‌کننده این مداخله است، اما آنچه توسعه صلاحیت کیفری را نسبت به این تأسیسات چالش‌برانگیز می‌سازد، آن است که در جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو یک کشور، این احتمال وجود دارد که دولت محل وقوع جرم مستقلاً به واسطه نقض نظم عمومی خود، نسبت به مجازات مرتکبین اقدام نماید، اما در خصوص این تأسیسات به دلیل واقع شدن آنها در آب‌های آزاد، احتمال عدم مجازات مرتکبین در صورت عدم مداخله دولت ساحلی وجود دارد. با عنایت به اینکه توسعه صلاحیت به فراتر از قلمرو سرزمینی خارج از چهار اصل صلاحیت جهانی، واقعی، شخصی و صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، خلاف موازین حقوقی است (پوربافرانی، ۱۳۸۱: ۸۱)، ضروری است با بررسی معیارهای مشروع توسعه صلاحیت کیفری، ضابطه قانونی اعمال قوانین کیفری نسبت به جرایم ارتكابی علیه این تأسیسات را احراز نمود. بدیهی است که اصل صلاحیت شخصی مجرم حتی در فرض تحقق کلیه شروط مندرج در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی، دربرگیرنده کلیه فروض ارتكاب جرم علیه تأسیسات نفتی واقع در فلات

قاره نخواهد بود و در صورت تابعیت غیر ایرانی مرتکبین، قابل استناد نمی‌باشد. اصل صلاحیت جهانی نیز برای حمایت کیفری از این تأسیسات کارگشا نمی‌باشد؛ چراکه با توجه به مبانی مشروعیت اعمال این اصل و دکترین حقوقی حاکم بر آن، این اصل صلاحیتی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دولت رسیدگی‌کننده به جرایم موضوع این اصل، هیچ‌گونه نفع شخصی در واکنش به جرم نداشته، عنصر خارجی مؤثر در اعمال صلاحیت کیفری، مجرم یا مجنی علیه تبعه آن کشور نباشد و منافع اساسی و حیاتی دولت رسیدگی‌کننده نیز موضوع مستقیم ارتكابی نباشد و صرفاً دفاع از امنیت و منافع جامعه بین‌الملل به موجب عرف یا معاهدات آن دولت را مکلف یا مختار در تعقیب مجرم به شرط دستیابی به او قرار داده باشد. نه تنها در نظر حقوقدانان داخلی عدم ارتباط دولت تعقیب‌کننده با عناصر و موضوعات موضوع این جرایم، شرط اعمال صلاحیت جهانی است (فروغی، ۱۳۸۸: ۸؛ اردیلی، ۱۳۸۹: ۵۵؛ پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۱۶۸؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۶۱) بلکه در دکترین حقوقی حاکم در عرصه بین‌الملل نیز اصل صلاحیت جهانی به دولت‌ها اجازه می‌دهد صلاحیت کیفری خود را بر افرادی اعمال کنند که مرتکب جنایاتی علیه حقوق بین‌الملل شده‌اند و در عین حال نسبت به آن افراد اصول سنتی و مرسوم اعمال صلاحیت قابل اعمال نمی‌باشد (مرون، ۲۰۰۶: ۱۱۸).^۱

بنابراین حمایت کیفری از این تأسیسات را می‌توان با توجه به ظرفیت‌های مندرج در قانون مجازات اسلامی از طریق دو اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و نیز صلاحیت واقعی بررسی نمود که نظر به اهمیت موضوع به تفصیل این دو اصل صلاحیتی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱. صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه

این اصل یکی از اصول صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت است که همانند اصل صلاحیت شخصی بنای آن بر رابطه تابعیت استوار می‌باشد و منظور از آن گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور علیه اتباع آن کشور ارتکاب می‌یابد (پوربافرانی، ۱۳۸۲: ۹۹) و مهم‌ترین مبنای توجیه مشروعیت آن، حمایت از اتباع و دفاع از خویش است (میرمحمدصادقی و ایزدیاری، ۱۳۹۲: ۱۳). اولین موضوعی که از بررسی مفهوم صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه به ذهن متبادر می‌گردد آن است که موضوع این اصل صلاحیتی، اشخاص تابع یک دولت می‌باشد و جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی نمی‌تواند موضوع این اصل صلاحیت کیفری باشد. با این وجود بررسی مفاد ماده ۸ قانون مجازات اسلامی دربردارنده قیودی است که در ظاهر امر، این ادعا را مردود می‌سازد. مطابق این ماده «هرگاه شخصی غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران

1. Meron

مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در موارد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود...».

در این ماده قانون‌گذار، علاوه بر تسری این اصل صلاحیتی به اتباع ایرانی، جرایم ارتكابی علیه کشور ایران را نیز موضوع صلاحیت قرار داده است. به همین دلیل با توجه به قیودی همچون «وقوع جرم در خارج از کشور ایران» و نیز «ارتكاب جرم علیه کشور ایران» این فرضیه مطرح می‌گردد که به استناد این اصل صلاحیتی می‌توان قوانین جزایی ایران را در خصوص جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی واقع در آب‌های فلات قاره مورد استفاده قرار داد. از طرفی اگرچه برخی تابعیت را بیانگر رابطه سیاسی و حقوقی یک دولت و افراد پیرو آن می‌دانند که حقوق و تکالیف متقابل آنها را تعیین می‌نماید (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۵)؛ اما در تعبیر برخی از حقوقدانان، تابعیت نسبت به اشیاء نیز محقق می‌گردد. در این دیدگاه تابعیت یک رابطه سیاسی تعریف شده که فرد یا چیزی را به دولت مرتبط می‌سازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). این تعبیر عام از مفهوم تابعیت نیز تقویت‌کننده فرضیه‌ای است که ارتكاب جرم علیه تأسیسات نفتی را محل ظهور این اصل صلاحیتی می‌داند.

بررسی دقیق موضوع مطابق با مبانی پذیرش این اصل صلاحیتی و نیز شرایط حاکم بر اجرای آن و همچنین قواعد حاکم بر تفسیر قوانین کیفری، توسل به این اصل صلاحیتی را جهت حمایت کیفری از این تأسیسات منتفی می‌سازد؛ چراکه تفسیر عام از مفهوم تابعیت در ماده ۸ و تسری آن به اشیاء، مغایر تفسیر مضیق قوانین کیفری بوده و هرگونه تلاشی جهت توسعه مفهومی این اصل استثنایی، بدون وجود دلایل یا قراین قانونی موجه نخواهد بود. بدیهی است که در عرف بین‌الملل، بعضاً رابطه کشور صاحب پرچم کشتی یا محل ثبت هواپیما با این اشیاء در قالب تابعیت مورد بحث قرار گرفته که چنین عرفی در خصوص تأسیسات ثابت نفتی وجود ندارد. از طرف دیگر عبارت «ارتكاب جرم علیه کشور ایران» نیز نمی‌تواند حمایت کیفری از این تأسیسات را بر اساس ماده ۸ قانون مجازات اسلامی فراهم سازد؛ چراکه مطابق نظر اکثر حقوقدانان یکی از شرایط اجرای این اصل صلاحیتی، وقوع جرم در کشور خارجی است و در بررسی‌های صورت گرفته در منابع مختلف حقوقی همواره عبارت خارج از ایران به یک کشور خارجی تعبیر شده است. به همین دلیل گفته شده که امروزه این اعتقاد وجود دارد که حتی اگر عمل ارتكابی در کشور محل وقوع جرم نباشد، توجیهی برای رسیدگی کشور متبوع مجنی علیه وجود ندارد (پوربافرانی، ۱۳۹۵: ۱۲) که این موضوع تحت عنوان مجرمیت متقابل مورد تأیید حقوقدانان قرار گرفته است.

علاوه بر شرط تحقق جرم در یک کشور خارجی، شرط دیگر اعمال این ضابطه صلاحیت، حضور مجرم در قلمرو حاکمیت ایران است. در حالی که اهمیت این تأسیسات از حیث امنیتی و اقتصادی به هیچ عنوان چنین شرطی را بر نمی‌تابد. از طرف دیگر حمایت از منافع حیاتی و اساسی

کشورها در عرصه بین الملل همواره بر اساس اصل صلاحیت واقعی صورت می پذیرد و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه به عنوان ضعیف ترین ابزار مداخله کیفری در عرصه بین الملل، هیچ گاه مناسب با اهمیت این تأسیسات نخواهد بود. به همین دلیل گفته شده بهتر بود، قانون گذار این مورد را از ماده ۸ حذف و در مباحث مربوط به صلاحیت واقعی مطرح می نمود (میرمحمدصادقی و بازیاری، ۱۳۹۲: ۳۰) و حتی در تعبیر دیگری درج عبارت «علیه کشور ایران» در این ماده به دلیل آنکه قبلاً در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی جرایم علیه کشور تحت اصل قاطع صلاحیت واقعی قرار گرفته، زائد و مضر دانسته شده و بیان شده که باید کلیه جرایم علیه کشور ایران تحت پوشش صلاحیت واقعی قوانین کیفری قرار گیرد (پورباقرانی، ۱۳۹۸: ۱۱۲)؛ بنابراین به استناد این اصل صلاحیتی نیز نمی توان تأسیسات نفتی ثابت واقع در آب های فلات قاره را مورد حمایت کیفری قرار داد.

۱-۲. اصل صلاحیت واقعی

این اصل صلاحیت کیفری به معنی توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن واقع شده و به منافع اساسی آن صدمه وارد می کند (پورباقرانی، ۱۳۹۸: ۱۲۵). در اعمال این نوع از صلاحیت کیفری، منافع اساسی کشور، عامل پیوند صلاحیت کیفری آن با جرم ارتكابی است. تاریخ حقوق کیفری بیانگر آن است که کشورهای مختلف همواره در برابر جرایمی که منافع حیاتی آنها را به مخاطره می انداختند، حتی اگر این جرایم در خارج از قلمرو حاکمیت آنها و توسط بیگانگان هم واقع شود، واکنش نشان می دهند (رینگارت، ۲۰۱۵: ۹۶).^۱ در حقیقت در جرایم موضوع اصل صلاحیت واقعی، مجنی علیه خود دولت می باشد و از آنجا که منافع آن در خطر است، از نهایت قدرت خود برای حمایت از منافعش استفاده خواهد کرد. با توجه به مقبولیت مبانی توجیه کننده این اصل، تمامی کشورها اعمال این اصل صلاحیتی را در قوانین داخلی خود به رسمیت شناخته اند. علی رغم اتفاق نظر جامعه جهانی در به رسمیت شناختن اصل صلاحیت واقعی، اما میل کشورها در دفاع از منافع حیاتی خود سبب اختلاف نظر در خصوص گستره اجرای این اصل صلاحیتی گردیده است. بدیهی است که منافع مورد حمایت مطابق با اصل صلاحیت واقعی صرفاً منافع سیاسی نیست، بلکه منافع اقتصادی و نظامی نیز موضوع این اصل صلاحیتی می باشد. لذا تأسیسات نفتی واقع در آب های فلات قاره به عنوان نماد اقتدار اقتصادی یک کشور در جغرافیای سیاسی دریاها، از جمله منافع واقعی و مظاهر اقتدار دولت ساحلی است که می توان مطابق با اصل صلاحیت واقعی قوانین کیفری به حمایت از آن پرداخت.

1. Ryngaert

مطابق با ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کنند...». اگرچه در این ماده اعمال این اصل صلاحیت کیفری به دلیل اهمیت منافع موضوع جرم، منوط به حضور متهم در ایران نشده، اما این اصل صلاحیتی نیز همانند سایر اصول اعمال صلاحیت برون مرزی قوانین کیفری، دارای شرایط اجرای منحصر به فردی است. از جمله اینکه مطابق با ماهیت استثنایی این اصل، کلیه جرایم ارتكابی علیه یک کشور در خارج از قلمرو آن، موضوع صلاحیت واقعی نخواهد بود و صرفاً منافع اساسی کشور را می‌توان در پرتو این اصل حمایت نمود. شرط دیگر اجرای این اصل صلاحیتی آن است که دولت ذی‌نفع که جرم علیه منافع او ارتکاب یافته، باید به صلاحیت خود در قوانین موضوعه تصریح کرده باشد و همچنین باید مطابق با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، عملی را که خواهان تعقیب آن است، به صراحت جرم اعلام نموده باشد. مطابق با این شرایط مشخص می‌گردد که در قانون مجازات اسلامی، تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره در ماده ۵ این قانون به عنوان یکی از منافع مورد حمایت صلاحیت واقعی قرار نگرفته و باید دید به استناد قوانین خاص که در متن این ماده به آن اشاره شده، آیا می‌توان به توسعه اعمال صلاحیت کیفری به جرایم ارتكابی علیه این تأسیسات پرداخت یا خیر. شایان ذکر است مطابق با قواعد حاکم بر اعمال این اصل، منظور از قوانین خاص در ماده ۵ قانون، آن دسته از قوانین است که موضوع آنها، جرایم ارتكابی در خارج از کشور باشد و گرنه تلقی هر قانون خاص مانند قانون مجازات اخلاص گران صنعت نفت به عنوان ابزاری برای اعمال صلاحیت واقعی تفسیری مغایر با اصول پذیرفته شده در اعمال این اصل صلاحیتی است.

بنابراین با احراز این موضوع که ابزار مداخله کیفری برای حمایت از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره، اصل صلاحیت واقعی است و با توجه به عدم تصریح ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این تأسیسات در بندهای خود، باید به بررسی قوانین خاص کیفری مرتبط با حمایت از این تأسیسات در منطقه فلات قاره پرداخت.

۲. ضوابط کیفری حاکم بر تأسیسات نفتی ثابت واقع در آب‌های منطقه فلات قاره

تدوین مقررات در رابطه با تأسیسات نفتی واقع در آب‌های فلات قاره در قوانین متعددی مورد توجه مقنن واقع شده است که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

۲-۱. قانون راجع به مجازات اخلاص گران در صنایع نفت ایران

این قانون به عنوان اولین سند قانونی حمایت کیفری از صنعت نفت در سال ۱۳۳۶ پس از حدود سه دهه از آغاز بهره‌برداری از نفت در کشورمان تصویب گردید و به‌رغم وجود قوانین عام در خصوص تخریب و تحریق اموال، به‌صورت خاص به تدوین ضوابط کیفری حاکم بر نگهداری این تأسیسات پرداخت. این قانون با رویکرد سخت‌گیرانه و تساهل و تسامح صفر در توصیف جزایی اقداماتی از قبیل خوابیدن در محل کار یا تعیین مجازات اعدام در جرایم شدید و اعطای صلاحیت رسیدگی به دادگاه‌های نظامی، کلیه اقداماتی که می‌تواند سبب اخلاص در عملیات تولید گردد مانند تحریق و انهدام واحدهای عمده صنعت نفت و ادوات مربوط به اکتشاف، تولید و توزیع نفت را جرم‌انگاری نموده است. با این وجود دیدگاه قانون‌گذار با توجه به شرایط حاکم بر فعالیت‌های نفتی آن زمان، صرفاً یک رویکرد درون‌مرزی بوده و هیچ‌گونه اشاره‌ای به تأسیسات واقع در فلات قاره نشده است.

هرچند در این خصوص نمی‌توان ایرادی را متوجه قانون‌گذار وقت دانست؛ چراکه نخستین قرارداد اکتشاف و بهره‌برداری نفت در خلیج فارس، اواسط دهه ۱۳۳۰ خورشیدی توسط شرکت ملی نفت ایران با شرکت ایتالیایی آجیپ منعقد شد و در راستای اجرای مطالعات موضوع این قرارداد، در نهایت در سال ۱۳۳۹ با کشف نفت در میدان نفتی بهرگانسر، نفت‌خیز بودن بستر خلیج فارس اثبات گردید؛ بنابراین طبیعی است که در زمان تدوین این قانون هیچ‌گونه باور قطعی نسبت به وجود نفت در آب‌های آزاد خلیج فارس وجود نداشته و به تبع آن در آن قانون هیچ‌گونه اشاره‌ای به اجرای مواد آن در مناطق مختلف دریایی نشده است. در قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی فلات قاره ایران که در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسیده نیز صرفاً به تبیین حق حاکمیت دولت ایران بر منابع طبیعی بستر و زیر دریا اشاره شده و به دلایل گفته شده هیچ‌گونه تصریحی به نفت و فرآورده‌های نفتی نشده است. شایان ذکر است؛ اگرچه کلیه ماشین‌آلات و ادوات مربوط به اکتشافات، تولید، تصفیه و توزیع نفت خام و فرآورده‌های نفتی در این قانون موضوع حکم قرار گرفته و سکوه‌های نفتی نیز در زمره ادوات مربوط به اکتشافات و تولیدات قرار می‌گیرند، لکن همان‌گونه که گفته شد با توجه به قواعد حاکم بر اصل اعمال صلاحیت واقعی و نظر به موقعیت جغرافیایی استقرار این تأسیسات، به دلیل عدم تصریح به شمول احکام این قانون به جرایم واقع شده در خارج از قلمرو سرزمینی ایران، محملی برای توسل به این قانون در حمایت کیفری از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره وجود ندارد و این قانون هیچ‌گونه حمایتی از این تأسیسات به عمل نمی‌آورد.

۱. به نقل از سایت اینترنتی شرکت نفت فلات قاره ایران قابل دسترسی در:

۲-۲. قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان

این قانون که همسو با تلاش‌های جامعه جهانی در خصوص تنظیم مناسبات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها در عرصه جغرافیایی سیاسی دریاها و با هدف تمرکز مقررات پراکنده مربوط به مناطق دریایی ایران و تطبیق آن با کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ حقوق دریاها در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسیده (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۷۵: ۹۰)، از جمله مستندات قانونی است که جرم‌انگاری اقدامات ناقض حقوق پذیرفته شده در مناطق مختلف دریایی را به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۰ این قانون بیان شده «جمهوری اسلامی ایران صلاحیت‌های کیفری و مدنی خود را درباره متخلفین از مقررات منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اعمال و بر حسب مورد نسبت به بازرسی و توقیف آنها اقدام خواهد کرد»؛ اما این گزاره قانونی نیز خلأ قانونی جرم‌انگاری اقدام علیه تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره را مرتفع نمی‌سازد؛ چراکه مطابق با ماده ۲ قانون مجازات اسلامی معیار جرم‌انگاری هر فعل یا ترک فعلی، وجود ضمانت اجرای جزایی برای آن است و علی‌رغم تبیین حق تعقیب ناقضین مقررات مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره، هیچ‌گونه جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری در این خصوص صورت نگرفته و همچنان خلأ قانونی حمایت از این تأسیسات به چشم می‌خورد.

۲-۳. آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات فلات قاره و منطقه انحصاری ایران در خلیج فارس و دریای عمان

این آیین‌نامه که به استناد ماده ۲۳ قانون مناطق دریایی ایران تدوین گردیده، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی در خصوص تبیین حقوق منطقه فلات قاره است و برخلاف مستندات قانونی قبل، الزاماتی را در زمینه حراست از تأسیسات نفتی ثابت واقع در این منطقه پیش‌بینی نموده است. ماده ۱ این آیین‌نامه کامل‌ترین سند حقوق داخلی در زمینه تعریف حدود منطقه فلات قاره می‌باشد. به موجب این ماده «منطقه فلات قاره عبارت است از بستر، زیر بستر، کف و زیر کف مناطق دریایی ماورای دریای سرزمینی ایران و در امتداد و دنباله طبیعت قلمرو سرزمینی کشور تا لبه بیرونی حاشیه فلات قاره تا مساحت ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدهی که برای تعیین عرض دریای سرزمینی در قوانین ایران پیش‌بینی شده است». مطابق با ماده ۲ این آیین‌نامه ایجاد تأسیسات نفتی در این منطقه جزء حقوق حاکمیت ایران محسوب می‌شود.

مهم‌ترین مقرر این آیین‌نامه در زمینه حمایت از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره، تعیین حریم ایمنی جهت حراست از این تأسیسات می‌باشد که بر اساس ماده ۸ این آیین‌نامه، این حریم به میزان ۵۰۰ متر از هر نقطه از قسمت خارجی مستحذات و یا میزان بیشتری که بر اساس استانداردهای بین‌المللی یا تصویب مراجع صلاحیت‌دار بین‌المللی اعلام شده، می‌باشد. علی‌رغم این تدبیر پیشگیرانه، متأسفانه همچنان ضعف اساسی در زمینه حمایت کیفری از این تأسیسات در

این آیین نامه نیز مشهود است؛ چراکه در این آیین نامه نیز هیچ گونه ضمانت اجرایی جهت حمایت کيفری از این تأسیسات حتی در صورت نقض حریم ایمنی تأسیسات پیش بینی نشده است. به همین دلیل این آیین نامه علی رغم گام مهمی که در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در زمینه حمایت از این تأسیسات برداشته، سند جامعی جهت حمایت از آنها محسوب نمی شود و همچنان خلأ قانونی در این زمینه به چشم می خورد.

۲-۴. قانون الحاق به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی ۱۹۸۸ رم و پروتکل الحاقی آن

از آنجا که دریانوردی سنتی ترین شکل ارتباط انسان و دریا را تشکیل می دهد، کنوانسیون های بین المللی مرتبط با حقوق دریاها نیز عمدتاً با رویکرد تعیین رژیم های دریانوردی تدوین گردیده اند و سایر موضوعات مرتبط با دریاها از قبیل استفاده از منابع نفتی تا چند دهه قبل جزء موضوعات محوری مورد بحث کنوانسیون های بین المللی نبوده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که از آن به عنوان قانون اساسی دریاها و اقیانوس ها یاد می شود (مدنی، ۱۳۹۴: ۴۰)، حق بهره برداری از منابع نفتی و اکتشاف و تولید در منطقه فلات قاره را برای دولت ساحلی مجاور به رسمیت شناخته و حق وضع قوانین و مقررات مربوط به حمایت از این قبیل فعالیت ها را به دولت ها اعطاء نموده است. در مقدمه این کنوانسیون صراحتاً بیان شده سازمان بین المللی دریانوردی بر اساس قطعنامه شماره ۴۰/۶۱ مورخ دسامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به منظور بررسی مشکلات مربوط به تروریسم در کشتی ها یا علیه آنها و به منظور ارائه توصیه هایی در خصوص اتخاذ اقدام مناسب و همچنین گسترش اقدامات پیشگیرانه از اعمال غیرقانونی که موجب تهدید ایمنی کشتی ها و امنیت مسافرین و خدمه آنها شده، تدوین این کنوانسیون را در دستور کار خود قرار داده و کشتی و کشتیرانی موضوع اصلی این کنوانسیون می باشد.

از سه دهه گذشته به دلیل اهمیت اساسی نفت در اقتصاد جهانی و نیز جذابیت تأسیسات نفتی واقع در آب های آزاد برای گروه های متخاصم با دولت ساحلی، حمایت کيفری از تأسیسات نفتی واقع در آب های آزاد مورد توجه قرار گرفت (کاشوبسکی، ۲۰۱۳)^۱. با توجه به عدم وجود هرگونه توافق بین المللی مشخ و مدونی در این زمینه دولت های عضو کنوانسیون ۱۹۸۸ رم با توسعه موضوعی آن، مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوها نفتی ثابت واقع در فلات قاره را نیز با همان مبانی نظری کنوانسیون رم مورد توافق قرار دادند. از آنجا که در حقوق بین الملل هرگونه افزودن حقوق ماهوی یا تغییر یا تعدیل هنجارهای موجود در یک معاهده یا اصلاح و ارتقاء سازوکارهای اجرایی آن در قالب پروتکل های الحاقی صورت می پذیرد (کنده، ۲۰۰۴: ۲۱۱)^۲،

1. Kashubsky
2. Conde

مقابله با اعمال غیرقانونی علیه این تأسیسات نیز در قالب پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم رسمیت یافت. این کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن در تاریخ ۱۳/۹/۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و هم‌اکنون به عنوان مهم‌ترین سند قانونی در زمینه حمایت کیفری از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره محسوب می‌شود. مطابق با بند سوم ماده یک این پروتکل، منظور از سکوهای نفتی در این سند جزیره، تأسیسات و سازه‌های مصنوعی است که به منظور اکتشاف یا بهره‌برداری از منابع یا مقاصد اقتصادی دیگر به طور دائم در بستر دریا نصب شده باشد. در ماده ۲ این پروتکل نیز کلیه اقداماتی که صلاحیت رسیدگی به آنها به کشورهای عضو داده شده نیز بیان شده است و مطابق با ماده ۳ آن، در صورتی که اقدامات موضوع این پروتکل علیه یا بر روی سکوهای واقع در منطقه فلات قاره کشور عضو یا از سوی اتباع آن ارتکاب یابد، آن کشور می‌تواند نسبه به اعمال صلاحیت خود مطابق با مفاد این پروتکل اقدام نماید.

با وجود این مستند قانونی یکی از شرایط اعمال صلاحیت واقعی یعنی وجود قانون خاص، محقق می‌گردد، لکن توسل به این ضابطه اعمال صلاحیت کیفری مستلزم بررسی قواعد این قانون و الزامات مرتبط با آن است. اساساً معاهدات بین‌المللی، تعهداتی را برای دولت‌های متعهد در زمینه اجرای این معاهدات به وجود می‌آورد که برقراری صلاحیت بخشی از آن است (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۶۶). ماده ۲ پروتکل مذکور، مصادیق جرایمی که به موجب آن قابل تعقیب می‌باشند را به صراحت احصاء نموده و به صلاحیت دولت‌های ذی‌نفع در رسیدگی به جرایم موضوع این پروتکل اشاره نموده است؛ اما موضع دولت‌ها در قبال اجرای تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی با توجه به سیاق الزامات و تکالیف ناشی از معاهدات متفاوت می‌باشد. مقررات برخی معاهدات مانند کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به گونه‌ای است که اجرای مستقیم تعهدات آنها از سوی دولت‌های عضو از مفاد آنها استنباط می‌گردد و اصطلاحاً «خود اجرا شونده»^۱ هستند؛ اما در برخی دیگر از معاهدات، برای آنکه محاکم داخلی از صلاحیت لازم برای رسیدگی به جرایم موضوع تعهد برخوردار شوند، دولت متعهد وظیفه دارد در اجرای تعهدات بین‌المللی قانونی وضع کند که در انطباق با مقررات معاهده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۶۸). با توجه به مبانی نظری تدوین این پروتکل و تلقی جرایم موضوع آن به عنوان جرایم تروریستی، جنبه تکلیفی دولت‌ها در اتخاذ تدابیر تقنینی لازم جهت برخورد با این قبیل جرایم نمود بیشتری می‌یابد. با این وجود پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم از حیث نحوه اجرای تعهدات، مصداق آن دسته از معاهداتی است که اجرای آن منوط به اتخاذ تدابیر داخلی از سوی دولت‌های عضو است و جرایم پیش‌بینی شده در این پروتکل از جمله جرایم دارای اهمیت بین‌المللی است که نیازمند جرم‌انگاری و تعیین مجازات در



قوانین داخلی است. به موجب ماده ۳ این پروتکل «هر کشور عضو اقداماتی را که ممکن است برای احراز صلاحیت خود در ارتباط با جرایم مندرج در ماده ۲ این پروتکل لازم باشد، اتخاذ خواهد نمود...». از طرف دیگر به موجب ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۸ رم که به استناد ماده یک پروتکل الحاقی به آن، در خصوص این پروتکل نیز لازم الاجراست، کشورهای عضو مکلف‌اند جرایم موضوع پروتکل را با مجازات‌های مناسبی که ماهیت جدی جرایم را در نظر می‌گیرد، قابل مجازات سازند. لذا با عنایت به اصل جهان‌شمول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، جهت استناد به مقررات پروتکل الحاقی رم در زمینه جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه موضوع آن، ضروری است اعمال مندرج در آن در قوانین داخلی با مجازات‌های قانونی متناسب روبه‌رو گردند. این در حالی است که در قانون الحاق کشورمان به این پروتکل، هیچ‌گونه مجازاتی برای جرایم موضوع آن در نظر گرفته نشده و در مقررات عمومی جزایی نیز هیچ‌گونه جرم‌انگاری در حمایت از این تأسیسات صورت نگرفته است؛ بنابراین علی‌رغم آنکه این پروتکل تمام آنچه را که نظام کیفری یک کشور برای اجازه نقش‌آفرینی در آب‌های آزاد نیاز دارد، به آن اعطا می‌کند، اما همچنان از ظرفیت مطلوب آن استفاده نشده و به دلیل عدم اتخاذ تدابیر لازم جهت اجرای قواعد ماهوی این پروتکل، با وجود الحاق به آن نمی‌توان از آن جهت مجازات و پیشگیری از اقدامات مجرمانه علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره استفاده نمود. این کوتاهی در حمایت کیفری از تأسیسات نفتی با توجه به نقش حیاتی نفت در امنیت اقتصادی کشور، امری است که به هیچ‌عنوان قابل مسامحه نخواهد بود و این خلاء قانونی زمانی بیشتر به چشم می‌آید که در نظام کیفری کشورهای که جایگاه تعیین‌کننده‌ای چون کشورمان در بازارهای جهانی نفت ندارند و در عرصه داخلی نیز وابستگی سیاسی و اقتصادی آنها به نفت بسیار کمتر است، تمهیدات لازم جهت حمایت از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره مطابق با پروتکل مذکور اتخاذ شده که نمونه آن را در بند ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات لبنان می‌توان مشاهده نمود (زراعت عباس، ۱۳۸۴: ۴۹-۴۸).

۲-۵. تلقی جرایم علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در آب‌های فلات قاره به عنوان جرایم تروریستی

مطابق با مقدمه پروتکل مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوها ثابت واقع در فلات قاره، دلایل توجیه‌کننده تدوین کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی در خصوص پروتکل الحاقی آن نیز موضوعیت دارد. بر اساس دیباچه کنوانسیون مذکور، نگرانی عمیق جامعه بین‌المللی از گسترش اقدامات تروریستی در اشکال مختلف آن علیه ایمنی کشتی‌ها و امنیت افراد و اموال موجود در آنها سبب گردیده تا اقدامات پیشگیرانه جهت مقابله با تروریسم علیه دریانوردی در دستور کار دولت‌های عضو کنوانسیون قرار گیرد؛ بنابراین اقدامات تأمینی جهت حمایت از تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره نیز با معیار ذهنی مقابله با تروریسم

مشروعیت اجرایی خواهد یافت و جرایم موضوع پروتکل الحاقی کنوانسیون ۱۹۸۸ را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق جهانی اقدامات تروریستی دانست.

همان‌گونه که در حقوق بین‌الملل تعریف واحد و مورد اتفاقی در خصوص جرایم تروریستی ارایه نشده (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۶۹)، در حقوق داخلی نیز تعریف مستقلی از جرایم تروریستی بیان نشده، اما با بررسی تعاریف حقوقی موجود، شاخصه‌های اصلی مشترک میان جرایم تروریستی را می‌توان در اوصافی همچون سازمان‌یافته بودن، فراملی بودن، خشونت‌آمیز بودن و وجود انگیزه‌های سیاسی مشاهده نمود (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۷۰). علاوه بر این موارد، یکی دیگر از اوصاف محیطی جرایم تروریستی که در خصوص جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره نمود بیشتری می‌یابد، فراوانی ارتكاب این قبیل جرایم در مناطق بی‌قانون است که منظور از آن، مناطقی است که حکومت قانون در آنجا ضعیف است (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷). به‌رغم وجود بخش عمده این اوصاف در جرایم ارتكابی علیه این تأسیسات و تناسب اولیه تلقی این قبیل جرایم به عنوان جرایم تروریستی، عدم تعریف قانونی جرم تروریستی و اختلاف نظر در خصوص ماهیت آن در حقوق داخلی، سبب می‌شود توسل به این وصف مجرمانه در برخورد با جرایم ارتكابی علیه این تأسیسات با چالش جدی روبه‌رو گردد. برخی معتقدند که تروریسم عمل مجرمانه مستقل و مفهوم جدیدی محسوب نمی‌شود و از آنجا که رفتار مجرمانه اختصاصی ندارد، رفتار مرتکب آن می‌تواند عنصر مادی سایر جرایم باشد (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۶۵)؛ بنابراین جرایم تروریستی به یکی از عناوین جرایم علیه اشخاص، اموال یا امنیت برمی‌گردند. حقوق کیفری آلمان و سوئد در برخورد با جرایم تروریستی این رویکرد را پذیرفته‌اند. در مقابل در برخی نظام‌های حقوقی، جرم تروریستی مفهوم جدیدی است که مستقلاً جرم‌انگاری شده و سیاست جنایی خاص خود را دارد که نمونه بارز آن را می‌توان در نظام کیفری فرانسه مشاهده نمود (شریفی حضارتی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد رویکرد اخیر با ماهیت جرایم تروریستی و توقعات جهانی در مقابله با آنها سازگارتر است؛ چراکه اساساً هر جرمی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته مانند جرایم موضوع دادگاه کیفری بین‌المللی، دارای ماهیتی متفاوت از عناوین مشابه داخلی است و به همین دلیل در اسناد بین‌المللی از دولت‌ها خواسته شده نسبت به جرم‌انگاری و برخورد با آنها اقدام کنند و گرنه نمونه‌های مشابه داخلی در تمام نظام‌های حقوقی امروزی برای برخورد با جرایمی همچون قتل و تخریب وجود دارد. در مقوله جرایم تروریستی نیز عمده رفتارهای مادی متشکله این جرایم، جزء جرایم طبیعی نظام‌های مدرن حقوق کیفری است، اما به دلیل خاص بودن این جرایم، امروزه برخی قائل به وجود حقوق کیفری ضد تروریسم با مشخصه‌های خاص خود هستند (مهرا و کارگری، ۱۳۹۳: ۵۸). هرچند که با توجه به عدم تعریف مستقل جرایم تروریستی در حقوق کیفری ایران، سیاست کیفری تقنینی

ایران در برخورد با جرایم تروریستی مبتنی بر دیدگاه نخست و تلقی آن به عنوان یکی از جرایم عمومی مندرج در قوانین جزایی است.

مهم ترین مستند قانونی داخلی در خصوص تروریستی تلقی شدن جرایم علیه تأسیسات نفتی واقع در فلات قاره در حقوق داخلی، قانون مقابله با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ می باشد که در جزء ۷ بند «ب» ماده ۱ آن «تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت بار علیه افراد حاضر در آنها و هرگونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد خطر برای ایمنی این مناطق» به عنوان یکی از مصادیق جرایمی محسوب شده که کمک به تأمین مالی مرتکبین آنها موضوع این قانون قرار گرفته است. همان گونه که از عنوان این قانون مشخ است، موضوع آن مقابله با تأمین مالی تروریسم و نه خود تروریسم می باشد و به همین دلیل در آن تروریسم تعریف نگردیده و صرفاً کمک مالی در راستای ارتکاب اعمال موضوع این قانون از قبیل اقدامات ارتكابی علیه سکوها و تأسیسات نفتی واقع در مناطق دریایی جرم شناخته شده است.

مستند قانونی مهم دیگری که در این زمینه وجود دارد، قانون موافقت نامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه در زمینه مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و تروریسم مصوب ۱۳۹۰/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی است که در ماده ۳ آن فعالیت های تروریستی به عنوان کلیه اقداماتی که جهت اعمال زور و تحت فشار قرار دادن دولت یا سازمان های دولتی با استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به منظور ارباب جامعه یا کسب امتیاز سیاسی یا اقتصادی صورت می گیرد، تعریف شده و می توان آن را به عنوان یکی از معدود قوانینی که ماهیت جرایم تروریستی را تعریف می کند، قلمداد نمود. در بند ۷ این ماده نیز وارد آوردن خسارت به سکوهای ثابت موجود در فلات قاره که منجر به تهدید حیات انسان و یا ضررهای مادی غیرقابل جبران شود، به عنوان یکی از مصادیق اعمال تروریستی بیان شده است. لکن شرط تروریستی شناختن این اقدامات به موجب ماده ۱۳ این قانون جرم انگاری این اقدامات در قوانین ملی یا اسناد معاهدات بین المللی منعقد شده توسط این دو کشور می باشد. حال آنکه قبلاً بیان گردید در قوانین داخلی ما تروریسم به عنوان جرم مستقل به رسمیت شناخته نشده و مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی تا زمانی که برای عملی در قانون مجازات تعیین نشده باشد، نمی توان آن را جرم دانست.

بنابراین از آنجا که در پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم نیز مجازاتی برای این قبیل اقدامات پیش بینی نشده و از دولت های عضو خواسته شده نسبت به تعیین مجازات متناسب با این اقدامات در قوانین داخلی خود اقدام نمایند، به دلیل عدم اجرای این تکلیف از سوی کشورمان همچنان با خلأ جرم انگاری این اقدامات روبه رو هستیم. با توجه به رجوع ناگزیر به حقوق داخلی

برای واکنش به جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی واقع در فلات قاره به عنوان یک جرم تروریستی، بازم محدودیت‌های ناکارآمدی نظام حقوقی داخلی در مواجهه با این جرایم نمایان می‌گردد؛ چراکه همان‌گونه که قبلاً بیان شد در حقوق داخلی ایران هیچ‌گونه رکن قانونی جزایی خاصی در خصوص جرایم ارتكابی علیه تأسیسات واقع در فلات قاره وجود ندارد. همچنین علی‌رغم اینکه برخی معتقدند، جرایم موضوع قانون مجازات اخلاص گران در صنایع نفت به عنوان جرایم تروریستی شناخته شده (اسدی جونوشی و وروائی، ۱۳۹۷: ۳۲۷)، اما همان‌گونه که بیان شد این قانون اساساً در محدوده سرزمینی ایران قابلیت اجرا دارد و در آب‌های آزاد قابل استناد نخواهد بود. به همین دلیل باید با استفاده از عموماً قانونی موجود سعی بر واکنش کیفری نسبت به این قبیل جرایم نماییم.

در حال حاضر عمده واکنش‌ها به جرایم تروریستی به استناد مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض صورت می‌پذیرد. در توسل به موارد فوق جهت مقابله با جرایم علیه امنیت تأسیسات نفتی واقع در فلات قاره، اولین نکته که به ذهن متبادر می‌گردد، قابلیت اجرای آن در آب‌های آزاد و خارج از قلمرو سرزمینی است. با عنایت به اینکه مطابق با ماده ۳ قانون مجازات اسلامی هرگونه اجرای قانون خارج از قلمرو سرزمینی منوط به پیش‌بینی موضوع در قانون است و هیچ‌گونه گزاره صریحی در قانون مجازات اسلامی در خصوص قابلیت اجرای این دو ماده در خارج از قلمرو سرزمینی وجود ندارد، با توجه به ماهیت حدی این جرایم و قابلیت درآ به شبهه، توسل به این مواد در قلمرو آب‌های آزاد محل اختلاف خواهد بود؛ اما با توجه به اصل جهان‌شمول بودن احکام شرعی و سیاق مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص نفوذ مجازات‌های شرعی به جرایم ارتكابی در خارج از کشور، اصل را بر بقای اعتبار این مواد قانونی نسبت به جرایم ارتكابی در آب‌های آزاد قرار می‌دهیم. با این وجود، بررسی جرایمی که می‌تواند علیه امنیت تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره ارتكاب یابد، نشان می‌دهد که توسل به این مواد نیز نمی‌تواند سازوکار جامعی را برای برخورد با این جرایم فراهم سازد. با توجه به اینکه این تأسیسات متعلق به دولت می‌باشد و جرایم ارتكابی علیه آنها عموماً با انگیزه‌های سیاسی صورت می‌پذیرد، جز در مواردی که اقدام مسلحانه علیه افراد حاضر در سکوها صورت پذیرد، استناد به ماده ۲۷۹ جهت مقابله با این جرایم امکان‌پذیر نخواهد بود. از طرف دیگر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز شرایطی جهت تحقق عنوان افساد فی الارض وجود دارد که انطباق آن را با جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره مشکل می‌سازد. مطابق با این ماده قانونی «هرکس به‌طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامی جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاص در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و

فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمد به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی یا خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد». عمده ایرادهای وارده در استناد به این ماده جهت حمایت کیفری از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره به شرح زیر است؛

الف) ماده ۲۸۶ رفتار مادی جدید را به عنوان جرم تعریف نمی‌کند، بلکه صرف ارتکاب گسترده جرایمی که در حوزه‌های پیش‌بینی شده در این ماده مورد اشاره قرار گرفته، منجر به تحقق جرم افساد فی الارض می‌گردد. در حقیقت به استناد حکم مقرر در تبصره این ماده، رفتار مادی تشکیل‌دهنده این جرم، سایر جرایم ارتكابی در قانون مجازات اسلامی و یا سایر قوانین خاص موضوع این ماده است و اگر عمل ارتكابی در سایر قوانین دارای مجازاتی نباشد، مشمول تعزیر درجه پنج یا شش می‌گردد؛ اما همان‌گونه که گفته شد؛ اولاً، جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره در هیچ قانونی مطابق با تعریف مندرج در ماده ۲ قانون مجازات جرم‌انگاری نشده و ثانیاً، اگر قانون الحاق به پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم را ملاک مجرمانه بودن آن اقدامات قرار دهیم، پیش‌بینی تعزیر درجه پنج یا شش برای این اقدامات نه تنها مغایر با ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۸ رم در زمینه اتخاذ مجازات متناسب با ماهیت جدی این جرایم است بلکه به لحاظ قرار گرفتن در زمره جرایم تعزیری، گستره مکانی اجرای آن صرفاً در قلمرو سرزمینی حاکمیت خواهد بود.

ب) مطابق با نص صریح ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، جرایم ارتكابی موضوع این ماده به لحاظ نتیجه رفتار مادی آنها مقید می‌باشند. در حالی که برخی از مصادیق رفتارهای ارتكابی علیه امنیت تأسیسات نفتی مقید به نتیجه نمی‌باشند. نمونه روشن این ادعا را می‌توان در جزء ۷ بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مشاهده نمود که در آن صرف تصرف غیرقانونی این تأسیسات به عنوان جرم شناخته شده یا در ماده ۸ آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، حریم ایمنی این تأسیسات ۵۰۰ متر و نقض آن ممنوع عنوان شده، اما هیچ‌کدام از این اقدامات در صورت ارتكاب علیه تأسیسات نفتی مذکور به استناد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی قابل مجازات نخواهد بود؛ چراکه تحقق جرم موضوع این ماده مقید به حصول نتیجه زیان‌بار ناشی از رفتار ارتكابی است.

ج) صرف ورود خسارت به این سکوها و تأسیسات نفتی به نحوی که در بند ۷ ماده ۳ قانون موافقت‌نامه همکاری میان ایران و ترکیه مصوب ۱۳۹۰ بیان شده، موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد؛ چرا که هم در متن این ماده و هم در تبصره آن یکی از شرایط لازم جهت تحقق جرم، عمده محسوب شدن خسارات ناشی از فعل مجرمانه است و از این حیث نیز ماده ۲۸۶ قانون

مجازات اسلامی نمی‌تواند از سکوها و تأسیسات واقع در فلات قاره در برابر هر خسارتی حمایت نماید.

د) جرایم ارتكابی علیه تأسیسات و سکوها نفتی واقع در منطقه فلات قاره علاوه بر مخصصات بین‌المللی میان کشورها، می‌تواند از طریق دیگری همچون خرابکاری، اقدامات دزدان دریایی، شورش‌ها و اعتصاب کارکنان و حتی در نتیجه اعتراضات مدنی و یا اقدامات طرفداران محیط‌زیست نیز ارتكاب یابد (کاشویسکی، ۲۰۱۳) و عمده این موارد دارای ویژگی جرایم تروریستی نیستند. به همین دلیل گفته شده تمامی تروریست‌ها مجرم‌اند، اما همه مجرمان تروریست نیستند هرچند که همان اعمال را مرتکب می‌شوند (قمری، ۱۳۸۹: ۳۹-۳۸).

ها) با توجه به جایگاه حیاتی فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه بهره‌برداری از منابع نفتی واقع در منطقه فلات قاره، حمایت از امنیت اطلاعات و تجهیزات مورد استفاده در مدیریت عملکرد این تأسیسات، از مقوله‌های اساسی راهبری آنهاست که اهمیت مقابله با حملات سایبری علیه این تأسیسات را آشکار می‌سازد. به همین دلیل در سال ۲۰۱۰ کشورهای عضو پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸م، جرایم سه‌گانه اخلاف در سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی سکوها، تهدیدات بیولوژیک و تهدیدات ناشی از برنامه‌های هسته‌ای علیه تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره را به عنوان جرایم نوظهوری که تحت صلاحیت کشورهای عضو پروتکل می‌باشند، تعریف و به پروتکل مصوب ۱۹۸۸ اضافه نمودند. این در حالی است که در حقوق کیفری ایران برای جرم‌انگاری تروریست سایبری قانون خاصی وجود ندارد و صرفاً در قوانین عام از جمله قانون جرایم رایانه‌ای برخی مواد وجود دارد که با تفسیر عام می‌توان آنها را به این قبیل جرایم تسری داد (قدیر و کاظمی فروشانی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)؛ اما آشکار است که اقدامات خصمانه سایبری علیه این تأسیسات هم‌اکنون برابر با ماده ۲۸۶ و جرایم رایانه‌ای موضوع کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی به دلایل بیان شده قابل تعقیب نمی‌باشد و این قبیل اقدامات مجرمانه همانند اقداماتی که فاقد اوصاف جرایم تروریستی هستند، علی‌رغم تهدید امنیت تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره، قابل مجازات نیستند و همچنان خلأ وجود یک قانون در حوزه حمایت کیفری از تأسیسات و سکوها نفتی واقع در منطقه فلات قاره مشهود می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقابله با جرایمی که علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در دریاها روی می‌دهد، موقعیت استقرار آنها در جغرافیای سیاسی دریاها نقش اساسی دارد. چنانچه این تأسیسات در آب‌های داخلی یا سرزمینی دولت ساحلی باشند، هیچ‌گونه اختلافی در عرصه بین‌الملل جهت اعمال صلاحیت کیفری وجود ندارد. با توجه به موقعیت استقرار تأسیسات نفتی ثابت در دریاها و تأثیرپذیری اقتدار حاکمیت دولت‌ها از قواعد جغرافیای سیاسی دریاها، توانمندسازی حقوق داخلی متناسب با قواعد

عرفی در سطح بین‌الملل و تطبیق با ضوابط جهان‌شمول حقوق کیفری در برخورد با اعمال مجرمانه در این عرصه امری ضروری است. اهمیت تأسیسات نفتی واقع در آب‌های آزاد سبب شده، امروز تمام آنچه یک دستگاه عدالت کیفری کارا برای برخورد با پدیده‌های مجرمانه در جغرافیای سیاسی دریاها نیاز دارد، در پرتو عرف بین‌الملل شکل بگیرد و پروتکل الحاقی به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی مصوب ۱۹۸۸ رم تحت عنوان «پروتکل مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوهاى ثابت واقع در فلات قاره»، مقابله کیفری با اقدامات مجرمانه علیه تأسیسات نفتی واقع در این محدوده دریایی را مشروعیت بخشد. به‌رغم پیوستن کشورمان به این کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن، عدم اجرای تکلیف مندرج در ماده یک پروتکل و ماده ۵ کنوانسیون مبنی بر جرم‌انگاری داخلی و تعیین مجازات متناسب با ماهیت جدی این جرایم سبب شده هیچ‌گونه ابزار مداخله کیفری قدرتمندی در برخورد با این جرایم در حقوق داخلی وجود نداشته باشد و حمایت کیفری از این تأسیسات صرفاً با قواعد عمومی حقوق کیفری داخلی و بدون امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های پروتکل الحاقی صورت پذیرد. در حقوق داخلی نیز محدودیت‌های ناشی از اعمال فرامرزی قواعد حقوقی و همچنین عدم جرم‌انگاری و تبیین مفهوم کیفری تروریسم در قوانین جزایی سبب شده در حال حاضر حمایت کیفری متناسب و جامعی از این تأسیسات مقدور نباشد. همچنین حمایت مطلوب از این تأسیسات نه تنها مستلزم تقویت حقوق داخلی و انطباق ظرفیت‌های آن با عرف بین‌المللی است، بلکه به نظر می‌رسد اهمیت استراتژیک خلیج فارس به‌عنوان مهم‌ترین و غنی‌ترین میدان دریایی دارای منابع هیدروکربوری اقتضا می‌نماید کشورهای حاشیه این دریا با تنظیم قواعد پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه متناسب در سطح منطقه، هرگونه اقدام خرابکارانه علیه این تأسیسات و افراد مستقر در آنها را خنثی ساخته و توافقات منطقه‌ای مؤثری همسو با مفاد پروتکل الحاقی و عرف بین‌الملل برای تأمین امنیت این تأسیسات حیاتی اتخاذ نمایند.

سپاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۸). حقوق جزای بین الملل. جنگل جاودانه.
- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران. دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق. گنج دانش.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی تطبیقی. فکر سازان.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۵). دادگاه کیفری بین المللی. دادگستری.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۰). مفهوم تروریسم، همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش. تهران. روزنامه رسمی.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۹). ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی. تحقیقات حقوقی، ۵۳-۸۶، (۵۱)۱۳
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=161573>
- اسدی جونوشی، محمد و وروائی، اکبر. (۱۳۹۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص تروریسم علیه انرژی. مطالعات حقوق انرژی، ۴(۲)، ۳۴۷-۳۲۱.
- https://jrels.ut.ac.ir/article_70841.html
- اسماعیلی، مهدی. (۱۳۹۵). صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی در قوانین ایران. حقوق دادگستری، ۸۰(۹۴)، ۶۹-۴۹.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=290613>
- الهوردی زاده، رضا؛ حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با کنوانسیون حقوق بین الملل دریاها. تحقیقات جغرافیایی، ۴(۱۱۹)، ۵۳-۳۰.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1174462>
- پوربافرانی، حسن؛ امیری، علی؛ قلی زاده، بهروز. (۱۳۹۶). درآمدی بر یکسان‌انگاری جرم دزدی دریایی و تروریسم (با تأکید بر دزدی دریایی سواحل سومالی). تحقیقات حقوقی دانشگاه شیراز، ۹(۲)، ۵۰-۲۷.
- <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/80005/28>
- پوربافرانی، حسن. (۱۳۸۲). اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق جزای بین الملل و ایران. نامه مفید، ۹(۳۷)، ۱۲۴-۹۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=25035>
- پوربافرانی، حسن، (۱۳۸۱). ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین الملل. مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۴(۱۲)، ۱۸۶-۱۶۱.
- https://journals.ut.ac.ir/article_11266.html
- حبیب زاده، محمدجعفر؛ حکیمی‌ها، سعید. (۱۳۸۶). ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران. حقوق تطبیقی، ۱۱(۲)، ۷۱-۴۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=77154>
- صیرفی، ساسان. (۱۳۹۴). تعیین حد خارجی فلات قاره، بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها. مطالعات حقوق عمومی، ۴۵(۱)، ۱۴۸-۱۲۳.
- https://jpls.ut.ac.ir/article_53726.html



- زین العابدین، یوسف. (۱۳۸۵). تاثیر جغرافیای سیاسی دریایی بر حاکمیت دولت‌ها (با تأکید بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران). چشم‌انداز جغرافیایی، (۲)، ۸۹-۷۹.

https://jshsp.rasht.iau.ir/article_522461.html

- شریفی حضارتی، امیر. (۱۳۹۴). بررسی تروریسم در حقوق جزای اسلام و ایران. قابل دسترس در: www.Vekalationline.Ir/article/120800/

- عبداللهی، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۳). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم تابعیت. گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۱۳۹۳۰۰۸۹.

- فروغی، فضل اله. (۱۳۸۸). منشأ و ماهیت صلاحیت جهانی. قانون یار، (۱)، ۴۷-۲۱.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=172868>

- قدیر، محسن؛ کاظمی فروشانی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی حقوق کیفری ایران با اسناد بین‌المللی در زمینه مقابله و پیشگیری از وقوع تروریسم سایبری. حقوقی بین‌المللی، (۳۶)، ۲۶۷-۲۳۷.

http://www.cilamag.ir/article_35084.html

- کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۲). پردازش مفهوم قلمرو از دیدگاه جغرافیای سیاسی. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، (۴)، ۶۱-۴۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=259777>

- مدنی، سیدضیاءالدین. (۱۳۹۴). قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و حقوق بین‌الملل دریا، ارزیابی سازگاری‌ها و نارسایی‌ها در آیین تحوالات امروزی حقوق بین‌الملل دریا، اقیانوس شناسی، (۲۴)، ۵۱-۳۹.

<http://joc.inio.ac.ir/article-1-875-fa.pdf>

- مدنی، سیدضیاءالدین. (۱۳۹۲). پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی. اقیانوس‌شناسی، (۱۳)، ۷۲-۶۱.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=198054>

- ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین. (۱۳۷۵). تفسیر دوگانه از کنوانسیون حقوق دریاها؛ قانون مناطق دریایی ایران و اعتراض امریکا. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۵، ۱۱۴-۸۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2687/89/text>

- مهرا، نسرین؛ کارگری، نوروز. (۱۳۹۳). تروریسم و حقوق کیفری. آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۱۱)، ۸۶-۵۵.

https://cld.razavi.ac.ir/article_683.html

- میرمحمدصادقی، حسین؛ ایزدیار، علی. (۱۳۹۲). صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه با تأکید بر قانون جدید مجازات اسلامی. آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۵)، ۳۷-۳.

<https://www.magiran.com/paper/1189698>

- قمری، مهسا. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی قوانین و مقررات ماهوی علیه تروریسم در حقوق ایران و انگلستان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران].

- Conde, Hvictor. (2004). *A Handbook of International Human Right terminology*, Edition 2 Nebraska press.

- Feinberg, J. (1984). *Harm to Others*. Oxford university press.

- Kashubsky, M. (2013). *Protecting Offshore Oil and Gas Installations: Security Threats and Countervailing Measures (Part I)*.

<https://www.Ensec.Org/index.Php? Option= content & view=>



- Meron, T. (2006). *Humanization of International law* The Hague Academy of International law. Martinus Nijhoff publisher. Hague.
- Rychlak, R. J., & Czarnetzky, J. M. (2000). The International Criminal Court and the Question of Subsidiarity. *Third World Legal Stud.*, 115.
https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get_pdf.cgi?handle=hein.journals/twls2000§ion=10
- Ryngaert, c. (2015). *Jurisdiction in International law*. Oxford. Second Edition.